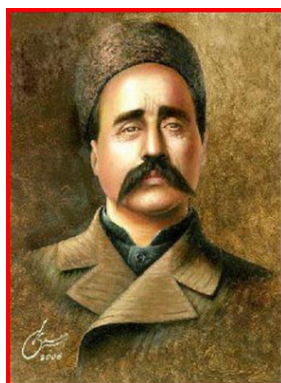




ایران در دوران معاصر

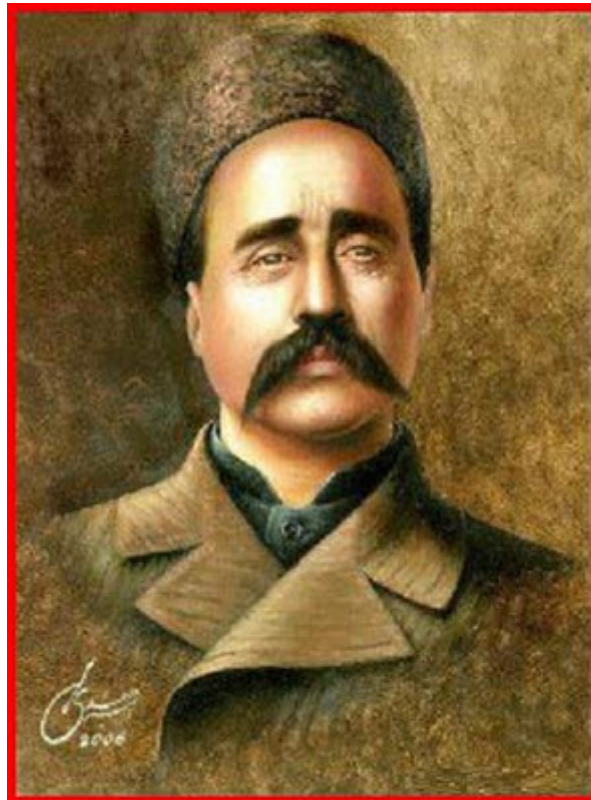
سردار ملی (ستار خان) و عشق به ایران - خاک میخوریم اما خاک نمیدهیم

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۳ آبان ۱۳۹۲ | ۱۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

ستار خان ستارخان سردار مقاومت آذربایجان و جنبش مشروطیت نوشته بود: من هیچ وقت گریه نمی کنم چون آگه اشک می ریختم آذربایجان شکست می خورد و اگر آذربایجان شکست بخورد ایران زمین می خورد... اما تو مشروطه دو بار اون هم تو یه روز اشک ریختم. حدود ۹ ماه بود تحت فشار بودیم.. بدون غذا.. بدون لباس.. از قرار گاه اومدم بیرون... چشمم به یک زن افتاد با یه بچه تو بغلش.. دیدم که بچه از بغل مادرش اومد پایین و چهار دست پا رفت به طرف بوته علف... علف رو از ریشه درآورد و از شدت گرسنگی شروع کرد خاک ریشه ها رو خوردن... با خودم



ستار خان

ستارخان سردار مقاومت آذربایجان و جنبش مشروطیت نوشته بود: من هیچ وقت گریه نمی کنم چون اگه اشک می ریختم آذربایجان شکست می خورد و اگر آذربایجان شکست بخورد ایران زمین می خورد... اما تو مشروطه دو بار اون هم تو یه روز اشک ریختم.

حدود 9 ماه بود تحت فشار بودیم.. بدون غذا.. بدون لباس.. از قرار گاه اومدم بیرون... چشمم به یک زن افتاد با یه بچه تو بغلش.. دیدم که بچه از بغل مادرش اومد پایین و چهار دست پا رفت به طرف بوته علف... علف رو از ریشه درآورد و از شدت گرسنگی شروع کرد خاک ریشه ها رو خوردن... با خودم گفتم آلان مادر اون بچه به من فحش میداد و میگه لعنت به ستارخان که مارو به این روز انداخته...

اما... مادر کودک اومد طرفش و بچش رو بغل کرد و گفت : عیبی نداره فرزندم...

خاک میخوریم اما خاک نمیدهیم...

اونجا بود که اشکم در اومد...

منبع : کتاب گلچین خاطرات ستارخان

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «سردار ملی (ستار خان) و عشق به ایران - خاک میخوریم اما خاک نمیدهیم»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1251/pdf/ستار-خان-و-عشق-به-ایران.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹